

رابطه‌ی بین سبک دلبستگی ایمن، خود - تمایزیافتگی (موقعیت من) و رضایت زناشویی با میانجی‌گری خوش‌بینی زوجها

غلامرضا رجبی^۱، اصغر جمالی^۲، منوچهر تقی‌پور^۳

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۶

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی بین سبک دلبستگی ایمن، خود-تمایزیافتگی (موقعیت من) و رضایت زناشویی با میانجی‌گری خوش‌بینی زوجها در میان والدین دانش‌آموزان پایه اول متوسطه شهرستان داراب انجام شد. **روش:** ۳۱۴ والد به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های تمایزیافتگی «موقعیت من»، سبک دلبستگی ایمن، خوش‌بینی زوجها و رضایت زناشویی را تکمیل کردند. به منظور تحلیل داده‌ها از رگرسیون چند متغیری سلسله مراتبی همزمان به روش بارون و کتی برای بررسی دو مدل طراحی شده، استفاده شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها در مورد مدل فرضی اول نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی، بین خوش‌بینی زوجها و رضایت زناشویی، بین دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی، بین دلبستگی ایمن و وجود دارد و خوش‌بینی زوجها یک متغیر میانجی در ارتباط بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی است. یافته‌های مدل فرضی دوم نشان داد که بین تمایزیافتگی (موقعیت من) و خوش‌بینی زوجها، بین خوش‌بینی زوجها و رضایت زناشویی و بین موقعیت من و رضایت زناشویی رابطه‌ی مثبت وجود دارد، همچنین خوش‌بینی زوجها میانجی بین موقعیت من و رضایت زناشویی است. **نتیجه‌گیری:** این یافته‌ها از این باور

۱. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول).

E-mail: rajabireza@scu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز.

۳. عضو هیات علمی گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده است که از سوی معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز به تصویب رسید.

حمایت می‌کند که روابط اولیه‌ی افراد در محیط خانواده به شکل‌گیری سبک دلبستگی خاص و سطوح بالا یا پایین تمایز یافتگی منجر می‌گردد و این تجارب اولیه بر روابط بین فردی زوج‌ها در بزرگسالی تأثیر مستقیم می‌گذارد. همچنین خوش‌بینی زوج‌ها دارای نقش واسطه‌ای بین سبک دلبستگی ایمن و موقعیت من با رضایت زناشویی است. **کلیدواژه‌ها:** سبک دلبستگی ایمن، خود-تمایز یافتگی (موقعیت من)، خوش‌بینی زوج‌ها، رضایت زناشویی.

مقدمه

یکی از ارکان اساسی جامعه بشری، نهاد خانواده است که در شکل‌گیری و شکوفایی فرد و جامعه نقش بنیادین را دارا می‌باشد (اخلاقی، ۱۳۹۰). این نهاد می‌تواند کارکردهای مثبت، سازنده و بی‌بدیلی در ابعاد گوناگون حیات فردی و اجتماعی انسان از جمله در کسب موفقیت‌ها و شکوفایی استعدادها و بهداشت روانی داشته باشد (ملکوتی خواه، ۱۳۹۰). لذا اهمیت شناخت و بررسی عواملی که سبب استحکام و قوام این نهاد اجتماعی می‌گردند، می‌تواند گامی مفید در راستای ارتقای سطح جامعه باشد. عوامل مختلفی بر استحکام و دوام خانواده تأثیر می‌گذارند که از جمله آن‌ها رضایت بین زوج‌ها است (حسینی بیرجندی، ۱۳۷۷).

بررسی بیش از ۳۹۰۰ مقاله در مورد رضایت زناشویی^۱ بر روی پایگاه خلاصه ادبیات پژوهشی در روان‌شناسی (جستجوی مجلات الکترونیکی در زمینه علوم اجتماعی) نشان می‌دهد که رضایت زناشویی یک موضوع مهم در مطالعات زناشویی و خانواده است (ریو^۲، ۲۰۱۰) و به صورت میزان ابراز شادی و رضایت شخص نسبت به همسر/شریک، تعریف می‌شود (هاروی^۳، ۲۰۰۷، ترجمه: احمدی، اخوی و رحیمی، ۱۳۸۸).

یکی از عوامل مهم که در سال‌های اخیر از سوی مشاوران، درمانگران و پژوهشگران خانواده مورد توجه قرار گرفته است، تجارب اولیه‌ی فرد یا نوع رابطه‌ی هیجانی فرد با

1. marital satisfaction.
2. Rio, C. M.
3. Harvey, M.

والدین خود در کودکی است که بر روی روابط زناشویی و خانوادگی وی تأثیرگذار است. در این راستا مدل‌های گوناگونی وجود دارد که هر کدام به تبیین روابط زوجین پرداخته‌اند؛ از جمله می‌توان به مدل‌هایی اشاره نمود که از نظریه بالبی^۱، نظریه بون^۲ و رویکرد روانشناسی مثبت نگراستفاده نموده‌اند. برخی از پژوهش‌ها با استناد به نظریه‌های فوق الذکر تلاش کرده‌اند به این سؤال اساسی پاسخ دهند که چگونه تجارب اولیه‌ی دوران کودکی فرد می‌تواند وی را در دوران بزرگسالی تحت تأثیر قرار دهد (عیدی و خانجانی، ۱۳۸۵). از جمله نظریه‌هایی که بر روابط اولیه در محیط خانواده تأکید کرده و آن را بر روابط بعدی مؤثر می‌دانند، نظریه‌های دلبستگی^۳ و تمایز یافتگی^۴ می‌باشند (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۵، ۲۰۰۳، ترجمه: حسین شاهی برواتی، نقشبندی و ارجمند، ۱۳۸۸). سازه‌ی دلبستگی یکی از مفاهیم مهم در حوزه علوم رفتاری است که توسط بالبی (۱۹۸۸) مطرح گردید و به پیوند عاطفی میان کودک و مراقبش می‌پردازد. نظریه دلبستگی برای برخی از اساسی‌ترین سؤال‌ها در حیطه روابط انسانی، پاسخ‌های معقولی ارائه کرده است؛ چگونه آدمی اسیر راهبردهای بی‌ثمری می‌گردد که او را از عشق به همسر و خانواده محروم می‌کند؟ چرا فاصله‌گزینی غالباً موجب سردی و تعاملات تعارض ساز می‌شود؟ این نظریه، افق‌های نوینی جهت بررسی و شکل‌دهی به تعاملات ارتباطی، فراروی زناشودرمانگران گسترده است (جانسون، ۲۰۰۴، ترجمه: حسینی، ۱۳۸۹).

براساس نظریه‌ی بالبی، سبک‌های دلبستگی دوره کودکی فرد بر روابط عاشقانه بزرگسالی وی تأثیر می‌گذارد. در بزرگسالی، افراد با سبک دلبستگی ایمن نسبت به سبک نایمن صمیمیت و سازگاری زناشویی بیشتری را گزارش کردند و روابط آن‌ها پایدارتر بوده است (پیلایز، لوتویچینگ، فرانس و ویلن^۶، ۲۰۰۵). سبک دلبستگی ایمن با سطوح بالاتر

1. Bowlby, J.

2. Bowen, M.

3. attachment

4. Differentiation.

5. Goldenberg, H., & Goldenberg, I.

6. Peilage, S., Lutoijing, F., France, A., & Willen, M.

رضایت زناشویی رابطه دارد و برعکس زوج‌های نایمن سطوح پایین‌تری از رضایت زناشویی را گزارش داده‌اند؛ تا آنجا که احتمال گسستن پیوند زناشویی را تا ۵۸ درصد افزایش می‌دهند (پالی، کوکس، کانو، هارتر، بارکینا و مارگاندا^۱، ۲۰۰۵)

بر اساس بررسی‌های متعدد عوامل دیگری که تعیین‌کننده‌ی چگونگی روابط آینده‌ی فرد در نظام زناشویی و خانوادگی است، تمایزیافتگی می‌باشد. به نظر بوئن (۱۹۸۸) درجه‌ی وجود تمایزیافتگی در هر فرد بیانگر میزان توانایی فرد برای جداسازی فرآیند شناختی از فرآیند احساسی (هیجانی) است که فرد تجربه می‌کند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳، ترجمه: حسین شاهی برواتی و همکاران، ۱۳۸۸). تمایز خود به معنای جدایی بین عقل و هیجان و استقلال خود از دیگران است. این تمایزیافتگی از خانواده اصلی فرد را قادر خواهد ساخت تا مسئولیت افکار، احساسات، ادراک‌ها و اعمال خود را بپذیرد (کری^۲، ۲۰۰۵، ترجمه: سید محمدی، ۱۳۸۹).

بر طبق نظریه بون، حداقل چهار عامل نشان‌دهنده‌ی سطوح تمایزیافتگی افراد می‌باشد: واکنش‌پذیری هیجانی^۳، گسلس عاطفی^۴، هم‌آمیختگی با دیگران^۵ و توانایی بدست آوردن «موقعیت من»^۶ (کر^۷ و بوئن، ۱۹۹۸، به نقل از پلگ^۸، ۲۰۰۸). یکی دیگر از مفاهیم اساسی در پژوهش حاضر، «موقعیت من» است؛ این سازه به توانایی شخص برای اظهار اعتقادات، ارزش‌ها یا دیدگاه شخصی‌اش، علیرغم استرس‌زا بودن شرایط اشاره دارد. افرادی که از «موقعیت من» بالایی برخوردارند، خود-جهت‌دهی بالایی دارند و به جای هم‌نوایی با عقاید و انتظارات دیگران، متکی به افکار و احساس‌های خود هستند (می‌سر^۹، ۲۰۱۱). این افراد، توانایی این را دارند زمانی که به وسیله‌ی دیگران برای

1. Paley, B., Cox, M. J., Kano, K. W., Harter, K. S., Burkina, M., & Margand, N. A.

2. Corey, J.

3. emotional reactivity.

4. emotional cutoff.

5. fusion with others.

6. i-position.

7. Kerr, M.

8. Peleg, O.

9. Maser, M. J.

«همنوايي کردن» با «فکر گروهی^۱» تحت فشار و اجبار قرار می‌گیرند، بر مبنای عقیده و نظر خودشان تصمیم‌گیری نمایند و مالک افکار و احساسات خود بدون هم‌نوايي کردن با انتظارات دیگران می‌باشند (پلگ، ۲۰۰۵). اسکورن و دندی^۲ (۲۰۰۴) معتقدند که بین تمایز یافتگی بالا و سازگاری زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. آن‌ها بر این باور بودند زوج‌هایی که کمتر واکنشی هستند و سطح تمایز آن‌ها بالا است، در روابط خود با دیگران «موقعیت من» خود را حفظ و خشنودی زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند. در حالی که افراد با تمایز یافتگی پایین استرس و فشار زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند. بر اساس پژوهش می‌سر (۲۰۱۱) زوج‌هایی که واکنش‌پذیری، گسلس عاطفی، هم‌آمیختگی پایینی دارند و می‌توانند «موقعیت من» برتری در روابط داشته باشند، سطح بالاتری از رضایت زناشویی را تجربه می‌کنند، در حالی که زوج‌هایی با سطح تمایز یافتگی پایین، آشفستگی زناشویی بیشتری را نشان دادند.

یکی دیگر از متغیرهای در پژوهش حاضر، سازه خوش‌بینی زوج‌ها^۳ است؛ منظور از خوش‌بینی زوج‌ها این است که زوجین در ارتباط با امور زناشویی دید مثبتی نسبت به یکدیگر دارند (رجبی، چاپ نشده). این مفهوم از جمله مؤلفه‌های اساسی در ادبیات پژوهشی حوزه‌ی خوش‌بینی روان‌شناختی مثبت نگراست؛ که اخیراً از سوی پژوهشگران و درمانگران مورد توجه خاصی قرار گرفته است (مچاتی^۴، ۲۰۱۳). این متغیر، ظرفیت فرد برای پیش‌بینی آینده‌ی مثبت را نشان می‌دهد (ریکر^۵، ۱۹۹۷). خوش‌بینی با ویژگی‌های روان‌شناختی گوناگونی رابطه دارد که هر کدام می‌توانند نقشی مهمی در احساس رضایت از زندگی داشته باشند (جانسون^۶، ۲۰۰۹). همچنین شواهدی حاکی از این است که افراد خوش‌بین به طور کلی نسبت به افراد بدبین، روابط بهتری با دیگران دارند (کارور، شایرو

1. group think.

2. Skowron, E. A., & Dendy, A. K.

3. couple optimism.

4. Machaty, A.

5. Recker, G. T.

6. Johnson, V. I.

سگرستروم^۱، ۲۰۱۰)؛ روی هم رفته در حال حاضر محققان خوش بینی را به عنوان یک منبع مفید در روابط بین فردی می‌دانند (اسد، دانلان و کانگر^۲، ۲۰۰۷). بنابراین این سازه در حوزه روابط بین فردی زناشویی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

سروستاو، مک‌گونیگال، ریچارد، باتلر و گروس^۳ (۲۰۰۶)، به بررسی این موضوع پرداختند که آیا افراد خوش بین و همسرانشان از رضایت زناشویی یا رابطه‌ای بالاتری نسبت به افراد بدبین برخوردارند؟ نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که رضایت از رابطه نه تنها در افراد خوشبین، بلکه در همسران آن‌ها نیز بالا بود. همچنین اسد و همکاران (۲۰۰۷)، نشان دادند که خوش بینی یک پیش بینی کننده‌ی مناسب برای رضایت از رابطه با دیگران است.

بررسی واتسون، هوبارد و ویس^۴ (۲۰۰۰) مبین این امر بود که کیفیت و دوام ازدواج بر بهزیستی و سلامت روان شناختی افراد تأثیر می‌گذارد؛ اگرچه در گذر زمان، افزایش و کاهش رضایت از رابطه در ازدواج امری طبیعی است (برادبوری و کارنی^۵، ۲۰۰۴)؛ برای بسیاری از زوج‌ها، تعداد تعامل‌های منفی نسبت به تعامل‌های مثبت بیشتر است و زندگی مشترک آن‌ها با طلاق به پایان می‌رسد (گاتمن و لوینسون^۶، ۱۹۹۹). توجه علمی زیادی به این موضوع شده است که چه موقع و چرا برخی از ازدواج‌ها پایان می‌یابند و برخی دیگر باقی می‌مانند. تمرکز پژوهش‌ها بر روی زوج‌ها و ازدواج آن‌ها در گذشته، عمدتاً بر اثرات مخربی که ویژگی‌های منفی، از جمله اضطراب یا افسردگی، بر روی روابط زوج‌ها می‌تواند داشته باشد، بوده است (بیچ و آلیری^۷، ۲۰۰۷، ۲۰۰۳)؛ و مداخله‌هایی که به عنوان نتیجه این تحقیقات بدست آمده، عمدتاً در جهت اجتناب از مخاطرات آن‌ها

1. Carver, C. S., Scheier, M. F., & Segerstrom, S. C.

2. Assad, K. K., Donnellan, M. B., & Conger, R. D.

3. Srivastava, S., McGonigal, K. M., Richards, J. M., Butler, E. A., & Gross, J. J.

4. Watson, D., Hubbard, B., & Wiese, D.

5. Bradbury, T. N., & Karney, B. R.

6. Gottman, J. M., & Levenson, R. W.

7. Beach, S. R. H., & O'Leary, K. D.

و بهبودی پریشانی زناشویی موجود، بوده است (گوردون و باکوم^۱، ۲۰۰۹). بررسی ادبیات پژوهش در زمینه مسایل زناشویی حاکی این است که نقش برخی از فرایندهای مثبت در روابط زناشویی مورد غفلت و بی‌توجهی از سوی محققین قرار گرفته است (مچاتی، ۲۰۱۳). چرا که تجربه‌ی درمانگران زناشویی نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها روابط زوجین بهبود می‌بخشد.

از سوی دیگر، نظریه اینکه خانواده، جایگاهی برای تامین نیازهای آدمی است و تحقق این امور در گرو خشنودی اعضا از روابط با هم دیگر است. لذا این سؤال به ذهن می‌رسد که چرا زوج‌ها دچار نارضایتی می‌شوند؟ چه عواملی می‌تواند بر رضایتمندی آن‌ها تأثیرگذار باشد؟ آیا سبک دلبستگی ایمن و تمایز یافتگی (موقعیت من) می‌تواند بر رضایتمندی زوج‌ها تأثیر بگذارد؟ با توجه به مطالب فوق هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی خوش بینی زوج‌ها، بین سبک دلبستگی ایمن و موقعیت من با رضایت زناشویی در میان والدین دانش‌آموزان پایه اول متوسطه شهرستان داراب می‌باشد.

روش

در این پژوهش از روش همبستگی از نوع تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی همزمان به روش بارون و کنی^۲ (۱۹۸۶) استفاده گردید. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی والدین دانش‌آموزان پایه اول متوسطه شهرستان داراب بود. ۳۱۴ نفر از والدین دانش‌آموزان پایه اول (۱۵۹ نفر (۵۰/۶٪) زن و ۱۵۵ نفر (۴۹/۴٪) مرد) از میان دانش‌آموزان پایه اول متوسطه با استفاده از فرمول کوکران^۳ به عنوان نمونه پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند؛ آنگاه پرسشنامه‌های این پژوهش همراه با دستورالعمل‌های آن‌ها به دانش‌آموزان ارائه گردید؛ و از آن‌ها خواسته شد که پرسشنامه‌ها

1. Gordon, C. L., & Baucom, D. H.

2. Baron, R. M., & Kenny, D. A.

3. Cochran, W. G.

ی مد نظر را در اختیار والدین شان قرار دهند و پس از تکمیل از سوی والدینشان، آن‌ها را به پژوهشگر در مدرسه تحویل دهند.

ابزارهای پژوهش

در بررسی حاضر از چهار ابزار برای بررسی متغیرهای مورد مطالعه به شرح ذیل استفاده گردید:

۱- پرسشنامه سبک دلبستگی سیمپسون^۱. این پرسشنامه توسط سیمپسون (۱۹۹۰) ساخته شد و رضازاده (۱۳۸۱) آن را به فارسی ترجمه کرد؛ پرسشنامه فوق‌الذکر دارای ۱۳ عبارت یا گویه است؛ که بر اساس یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرتی (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) قابل پاسخ‌گویی است. این پرسشنامه در برگزیده سه خرده‌مقیاس به نام‌های سبک دلبستگی ایمن (۵ عبارت)، سبک دلبستگی اجتنابی (۴ عبارت) و سبک دلبستگی دوسوگرایی (۴ عبارت) می‌باشد. شایان ذکر است که در این مطالعه فقط از سبک دلبستگی ایمن (۵ عبارت) استفاده گردید. رضازاده (۱۳۸۱) پایایی این ابزار را به روش باز-آزمایی در ۲۵ زوج (با فاصله زمانی ۶ هفته) ۰/۶۸ و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ گزارش کرد. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس سبک دلبستگی ایمن ۰/۷۳ و ضریب روایی همزمان آن با سبک دلبستگی اجتنابی (۴ عبارتی) سیمپسون (روایی واگرا) ۰/۶۶ - ($p < ۰/۰۰۱$) به دست آمد.

۲- مقیاس خوش‌بینی زوج‌ها. این مقیاس متشکل از ۱۴ گویه یا عبارت است؛ که بر اساس ادبیات متغیر خوش‌بینی در روابط زوج‌ها، تدوین گردیده است (رجبی، چاپ نشده). گویه‌های این مقیاس در یک طیف لیکرتی ۵ درجه‌ای (خیلی زیاد = ۴ تا خیلی کم = ۰) تنظیم شده است؛ نمره بالا نشان‌دهنده خوش‌بینی زوج‌ها به یکدیگر است و بالعکس. ضمناً عبارت یا گویه ۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. در این

1. Simpson Attachment Style Questionnaire.

پژوهش، ضریب پایایی آلفای کرونباخ، مقیاس فوق‌الذکر ۰/۸۱ به دست آمد.

۳- پرسشنامه تمایزیافتگی-خود. این ابزار یک پرسشنامه‌ی ۴۳ ماده‌ای است که به منظور سنجش تمایزیافتگی افراد به کار می‌رود (اسکورن، ۲۰۰۳، به نقل از اسکیان و ثنایی ذاکر، ۱۳۸۷). در بررسی حاضر فقط از خرده مقیاس جایگاه یا موقعیت من (۱۱ گویه) استفاده شد. گزینه‌های این ابزار در یک طیف لیکرتی ۶ درجه‌ای ۱ (ابدأ در مورد من درست نیست)، ۲ (تا حد زیادی درست نیست)، ۳ (تا حدی درست نیست)، ۴ (تا حدی درست است)، ۵ (تا حد زیادی درست است) و ۶ (کاملاً در مورد من صحیح است) تنظیم شده است. نمره‌های بالا و پایین در این مقیاس، به ترتیب بیانگر سطح تمایزیافتگی بالا و پایین می‌باشند. اسکورن و فرید لندر^۱ (۱۹۹۸) ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس‌های واکنش‌پذیری عاطفی ۰/۸۸، موقعیت من ۰/۸۵، گریز عاطفی ۰/۷۹، و هم‌آمیختگی با دیگران ۰/۷۰ گزارش داده‌اند. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی آلفای کرونباخ خرده مقیاس موقعیت من ۰/۸۹ و ضریب روایی همزمان آن با مقیاس عزت نفس ۱۰ گویه‌ای روزنبرگ^۲ (رجبی و بهلول، ۱۳۸۶) ۰/۷۷ ($p < ۰/۰۰۱$) به دست آمدند.

۴- مقیاس رضایت زناشویی. به منظور سنجش رضایت زناشویی زوجین از مقیاس فرم کوتاه رضایت زناشویی (محرابیان^۳، ۲۰۰۵، به نقل از رجبی، ۱۳۸۸) استفاده گردید. این ابزار برای ارزیابی و شناسایی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا و شناسایی زمینه‌های پر بار رضایت زناشویی تهیه شده است. پرسشنامه مورد نظر از ۱۳ گویه تشکیل شده است، که بر اساس یک طیف لیکرتی پنج درجه‌ای (۱=کاملاً مخالفم، ۲=مخالفم، ۳=نه موافق، نه مخالفم، ۴=موافقم و ۵=کاملاً موافقم) قابل پاسخ‌گویی است. رجبی (۱۳۸۸) روایی همزمان این مقیاس را با پرسشنامه ۴۷ ماده‌ای رضایت زناشویی انریچ بر روی کارمندان

1. Friedlander, M. L.

2. Rosenberg Self-esteem Scale-10-items.

3. Mehrabian, A.

متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز، ۰/۸۳ و برای مردان ۰/۸۴ و برای زنان ۰/۸۱ ($p < ۰/۰۰۱$) گزارش داد؛ و ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در کل نمونه ۰/۹۰، زنان ۰/۹۱ و مردان ۰/۸۹ بدست آورد. در این پژوهش، ضریب پایایی آلفای کرونباخ مقیاس فوق ۰/۸۹ و روایی آن با استفاده از مقیاس رضایت از رابطه^۱ (فیشر و کورکوران^۲، ۲۰۰۷) ۰/۷۷ ($p < ۰/۰۰۱$) بدست آمد.

یافته‌ها

در این مطالعه ۱۲۵ نفر از شرکت‌کننده‌ها دارای شغل آزاد، ۵۸ نفر دارای شغل اداری و ۴۱ نفر دارای شغل فرهنگی و ۹۰ نفر خانه دار؛ ۴ نفر دارای ۱ فرزند، ۵۶ نفر دارای ۲ فرزند، ۸۷ نفر دارای ۳ فرزند، ... و آن‌ها دارای ۸ فرزند؛ ۱ نفر با ۱۶ سال سابقه ازدواج، ۱۲ نفر با ۱۷ سال سابقه ازدواج، ... و ۲۹ نفر با ۲۹ سال سابقه ازدواج بودند.

آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنف در مورد متغیرهای موقعیت من ($z = ۲/۲۹$)، رضایت زناشویی ($p < ۰/۰۰۱$)، رضایت زناشویی ($p < ۰/۰۰۱$) و دلبستگی ایمن ($z = ۳/۱۴$) ($p < ۰/۰۰۱$) نشان داد که توزیع این سه متغیر در جامعه مورد نظر تابع توزیع نرمال نیستند. به هر حال چون حجم نمونه مورد مطالعه بالاتر از ۳۰ نفر است تخطی از این مفروضه توزیع داده‌ها را دچار مشکل نمی‌کند (مان^۳، ۲۰۰۴، ترجمه: رجیبی، ۱۳۹۲). اما متغیر خوش بینی زوج‌ها زوج‌ها زوج‌ها ($z = ۱/۲۰$)، $p = ۰/۱۰۹$) تابع توزیع نرمال است. آماره‌های هم خطی^۴ منجمله ضریب تحمل^۵ متغیرهای پیش بین موقعیت من ۰/۶۰، دلبستگی ایمن ۰/۴۲ و خوش بینی زوج‌ها زوج‌ها زوج‌ها ۰/۳۸ و عامل تورم واریانس^۶ آن‌ها به ترتیب ۱/۶۴، ۲/۳۵ و ۲/۵۷ بیانگر این هستند که همبستگی بین یک متغیر پیش بین با سایر متغیرهای

1. Satisfaction of Relationship Scale .
2. Fisher, J., & Corcoran, K. J.
3. Mann, P. S.
4. colinearity statistics.
5. tolerance coefficient.
6. variance inflation factor.

پیش‌بین تا حدی پایین است. به عبارت دیگر، این مقادیر نشان می‌دهند که سه متغیر سبک دلبستگی موقعیت من، دلبستگی ایمن و خوش بینی زوج‌ها به عنوان متغیرهای پیش‌بین همگی مناسب هستند.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	رضایت زناشویی
موقعیت من	۵۱/۸۹	۷/۷۵	۰/۷۹*
سبک دلبستگی ایمن	۱۷/۳۶	۳/۶۶	۰/۶۵*
خوش بینی زوج‌ها	۴۱/۰۲	۹/۶۶	۰/۷۳*
رضایت زناشویی	۵۱/۶۰	۷/۹۷	-

* معنی‌داری ضرایب همبستگی در سطح آماری $p < 0/01$

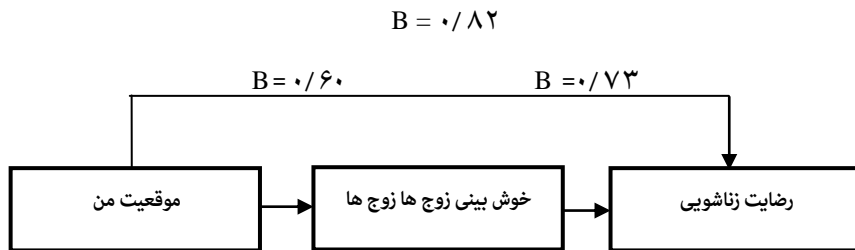
همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین‌ها و انحراف‌های معیار متغیرهای تمایز یافتگی (موقعیت من) به ترتیب ۵۱/۸۹ و ۷/۷۵، سبک دلبستگی ایمن ۱۷/۳۶ و ۳/۶۶، خوش بینی زوج‌ها ۴۱/۰۲ و ۹/۶۶ و رضایت زناشویی ۵۱/۶۰ و ۷/۹۷ می‌باشند. همچنین، کلیه ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل (موقعیت من، سبک دلبستگی ایمن و خوش بینی زوج‌ها) با متغیر ملاک (رضایت زناشویی) در سطح آماری $p < 0/01$ معنادار هستند.

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی موقعیت من، سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی با میانجی‌گری خوش بینی زوجها به روش بارون و کنتی

شاخص‌ها	B	β	R^2	t	P
گام ۱: موقعیت من	۰/۸۲	۰/۷۲	۰/۶۳	۲۳/۳۳	P < ۰/۰۰۱
گام ۲: موقعیت من خوش بینی زوجها	۰/۵۷ ۰/۳۲	۰/۵۵ ۰/۳۲	۰/۷۳	-۳/۱۸ ۳/۵۹	P < ۰/۰۰۲ P < ۰/۰۰۱
گام ۱: دلبستگی ایمن	۰/۴۱	۰/۶۵	۰/۶۵	۱۵/۱۷	P < ۰/۰۰۱
گام ۲: دلبستگی ایمن خوش بینی زوجها	۰/۵۰ ۰/۴۶	۰/۲۳ ۰/۵۵	۰/۵۶	۴/۱۴ ۹/۹۱	P < ۰/۰۰۱ P < ۰/۰۰۱

چنانچه در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، بین مسیرهای سبک موقعیت من با خوش بینی زوجها ۰/۶۰ و خوش بینی زوجها با رضایت زناشویی ۰/۷۳ (شرط اول و دوم پیشنهادی بارون و کنتی، ۱۹۸۶) همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. در بررسی نقش واسطه‌گری متغیر خوش بینی برای موقعیت من و رضایت زناشویی به روش رگرسیون سلسله مراتبی همزمان، در مرحله‌ی اول مقدار بتای (β) رضایت زناشویی بر روی موقعیت من (تمایز یافتگی) محاسبه گردید که ضریب به دست آمده به صورت مثبت و معنادار است ($p < ۰/۰۰۱, \beta = ۰/۷۲$). این یافته نشان می‌دهد که موقعیت من پیش‌بینی کننده معنادار رضایت زناشویی است و ۶۳٪ واریانس رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند ($p < ۰/۰۰۱, t = ۲۳/۳۳$). نتایج مرحله‌ی اول تأیید می‌کند که بین متغیر وابسته و

مستقل رابطه معنادار وجود دارد (شرط سوم پیشنهادی بارون و کنی، ۱۹۸۶). برای کنترل نقش موقعیت من و تعیین میانجی خوش بینی زوج‌ها، رگرسیون سلسله مراتبی همزمان رضایت زناشویی روی موقعیت من و خوش بینی، محاسبه گردید. در این مرحله توان پیش بینی متغیر موقعیت من نسبت به مرحله‌ای که به تنهایی وارد معادله رگرسیون شد تا حدودی کاهش یافت اما هنوز مقدار معنادار است (از $\beta = 0/72$ در مرحله ی اول به $\beta = 0/55$ در دومین مرحله، شرط چهارم پیشنهادی بارون و کنی، ۱۹۸۶)، که براساس پیشنهاد بارون و کنی (۱۹۸۶) اگر با ورود متغیر واسطه‌ای به معادله رگرسیون، ضریب متغیر مستقل به سمت صفر میل کند، میانجی‌گری یا واسطه‌گری مورد تأیید قرار می‌گیرد (شکل ۱ ببینید). همچنین آزمون سوبل نشان داد که اثر میانجی خوش بینی زوج‌ها مابین موقعیت من و رضایت زناشویی معنی دار است ($z = 2/58$, $t = 8/77$).



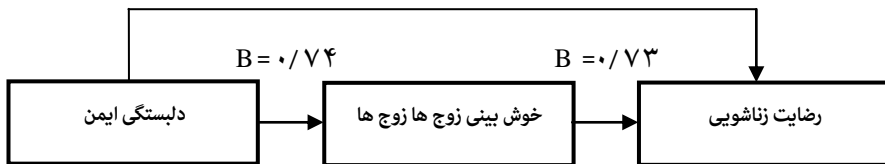
شکل ۱: مدل خوش بینی زوج‌ها به عنوان میانجی بین تمایز یافتگی (موقعیت من) و رضایت زناشویی

همان گونه در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، بین مسیرهای سبک دلبستگی ایمن با خوش بینی زوج‌ها $0/74$ و خوش بینی زوج‌ها با رضایت زناشویی $0/73$ (شرط اول و دوم پیشنهادی بارون و کنی، ۱۹۸۶) همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. در بررسی نقش واسطه‌گری متغیر خوش بینی برای دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی به روش رگرسیون سلسله مراتبی همزمان، در مرحله ی اول مقدار بتای (β) رضایت زناشویی بر روی دلبستگی ایمن به صورت مثبت معنادار است ($\beta = 0/65$, $p < 0/001$). این نتیجه نشان

می‌دهد که دلبستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده معنادار رضایت زناشویی است و ۴۲٪ واریانس رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند ($F=230/29$ ، $p<0/001$). نتایج مرحله‌ی اول تایید می‌کند که بین متغیر وابسته و مستقل رابطه معنادار وجود دارد (شرط سوم پیشنهادی بارون و کنی، ۱۹۸۶).

برای کنترل نقش دلبستگی ایمن و تعیین واسطه‌گری خوش‌بینی، رگرسیون سلسله‌مراتبی هم‌زمان رضایت زناشویی روی دلبستگی ایمن و خوش‌بینی، محاسبه شد. در این مرحله توان پیش‌بینی متغیر دلبستگی ایمن نسبت به مرحله‌ای که به تنهایی وارد معادله رگرسیون شد تا حدودی کاهش یافت اما هنوز مقدار معنادار است (از $\beta=0/65$ در مرحله‌ی اول به $\beta=0/23$ در دومین مرحله). به عبارت دیگر، با ورود متغیر میانجی، این رابطه تا حدودی کاهش یافته است (شرط چهارم پیشنهادی بارون و کنی، ۱۹۸۶) (شکل ۲ ببینید). همچنین آزمون سوبل نشان داد که اثر میانجی خوش‌بینی زوج‌ها مابین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی معنی‌دار است ($z=2/58$ ، $t=5/11$).

$$B = 0/41$$



شکل ۲: مدل خوش‌بینی زوج‌ها به عنوان میانجی بین دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی بین تمایز یافتگی (موقعیت من)، سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی با میانجی‌گری خوش‌بینی زوج‌ها صورت گرفت. نتایج نشان داد که بین خوش‌بینی زوج‌ها و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد؛

یافته‌های مردانی حموله و حیدری (۱۳۸۸)، میچاتی (۲۰۱۳) و کوین^۱ (۲۰۱۱) همسوبا این نتیجه فوق‌الذکر است. خوش‌بینی بواسطه‌ی افزایش انتظارات مطلوب، باعث پیامدهای مثبت در روابط زناشویی می‌شود، که این امر به نوبه‌ی خود منجر به این می‌گردد که افراد در روابط‌شان با یکدیگر انعطاف‌پذیرتر باشند (سریوستاو و آنگلو، ۲۰۰۹). بنابراین مزیت خوش‌بینی، یعنی انعطاف‌پذیری، می‌تواند به تغییر و اصلاح باورهای زوجین، به وسیله‌ی شناسایی و اصلاح عقاید غیرمنطقی و بدبینانه در مورد همسر کمک کند، که در نتیجه افزایش تعامل‌های سودمند با همسر و در نهایت به افزایش روابط طولانی مدت و رضایت بخش‌تر بین زوجین منجر می‌شود (سریوستاو و آنگلو، ۲۰۰۹). یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر این بود که بین تمایز یافتگی «موقعیت من» و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد، این نتیجه با یافته‌های پلگ (۲۰۰۸) و لپیپت^۳ (۲۰۰۵)، همخوان است. افراد تمایز یافته از طیف گسترده‌ای از صمیمیت عاطفی در روابط با همسر و دیگران برخوردارند، بدون اینکه نیاز به فدا کردن خودشان داشته باشند (بوئن، ۱۹۷۸، به نقل از لپیپت، ۲۰۰۵). افرادی که تمایز یافتگی بالایی دارند، نگرش مثبتی در مورد روابط خود با همسرشان و دیگران دارند، و این امر منجر به افزایش سطح رضایت زناشویی آن‌ها و همسرانشان می‌گردد. افراد با تمایز یافتگی بالا از هیجان‌های خود آگاهی دارند و قادر به تشخیص و ارزیابی متفکرانه موقعیت خود و دیگران هستند. این افراد توانایی رشد «من مستقل» در روابط صمیمانه دارند و می‌توانند در روابط عمیق و زناشویی، آرامش و راحتی خود را حفظ کنند و از امتزاج و گسلس عاطفی برای تعدیل تنش‌های درونی خود اجتناب کنند (اسکورن و دندی، ۲۰۰۴، به نقل از تیموری آسفیچی، ۱۳۹۱). نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد، یافته‌های کارداترک (۲۰۰۹)، بانس (۲۰۰۴) و

1. Kevin, C. M. L.

2. Angelo, K. M.

3. Lippitt, D. N.

کاب، داویلا و برادبوری^۱ (۲۰۰۱) این یافته را تأیید می‌کنند. برخورداری از سبک دلبستگی ایمن، منجر به این می‌شود که افراد نگرشی توأم با همدلی نسبت به بیگانگان و هم نسبت به ارتباط نزدیک با اطرافیان پیدا کنند. این نگرش از طریق انگیزش‌های نوع دوستانه و نه از طریق انگیزش‌های خودخواهانه که هدف شان کاهش استرس‌ها و فشارهای فرد است، بدست می‌آید. همچنین دلبستگی ایمن ممکن است باعث افزایش حس همدلی و نوع دوستی^۲ در بین زوج‌ها گردد (جانسون و ویفن^۳، ۲۰۰۳، ترجمه: بهرامی، همکاران، ۱۳۸۸). یافته دیگر این پژوهش این است که بین سبک دلبستگی ایمن و خوش بینی رابطه‌ی مثبت معنادار وجود دارد، این یافته با نتایج پژوهش‌های معدنی پورو همکاران (۱۳۹۰) و بو^۴ (۲۰۱۰) همسو می‌باشد. دلبستگی ایمن با احساس مثبت داشتن به خود، انسجام خود و خودنظمی در ارتباط است (جانسون، ۲۰۰۴، ترجمه: حسینی، ۱۳۸۹). افرادی که سبک دلبستگی آن‌ها ایمن است، احساس‌های منفی را به روشی سازنده مهار می‌کنند، تعهد و رضایت در روابط آن‌ها با همسر و دیگران به چشم می‌خورد؛ و نه تنها از خود بلکه از دیگران نیز تصور مثبتی دارند (آندروود^۵، ۲۰۰۵). بر طبق یافته‌های میلرو نورات^۶ (۱۹۹۹)، به نقل از هاینونن، رایکونن، جاروینن و استرنبرگ^۷، (۲۰۰۴) افرادی که سبک دلبستگی شان ایمن است در مقایسه با کسانی که سبک دلبستگی ناایمن دارند، رویدادهای مثبت بیشتری را به یاد می‌آورند و در نتیجه از خوش بینی بالاتری برخوردارند. همچنین مشاهده شد که بین موقعیت من و خوش بینی رابطه‌ی مثبت وجود دارد. این گونه می‌توان گفت افرادی که از سطح تمایز یافتگی و موقعیت من بالایی برخوردارند، مسئولیت اعمال خود را برعهده می‌گیرند، عقاید مشخص و معینی دارند، و دارای کنترل شخصی هستند. به نظر می‌رسد که این نوع رفتارها شبیه به الگوی مورد

1. Cobb, R. J. Davila, J., & Bradbary, T. N.

2. altruism.

3. Wiffen, V. A.

4. Boo, J. N.

5. Underwood, H.

6. Miller, J. B., & Noirot, M.

7. Heinonen, K., Raikkonen, K., Jarvinen, L. K., & Strenberg, T.

استفاده‌ی افراد خوش بین است، که فکر می‌کنند رویدادهای مثبت توسط تصمیم‌ها و اقدام‌های آن‌ها انجام می‌شود (آبرامسون، سلیگمن و تیسدل^۱، ۱۹۷۸، به نقل از ساهین، نالبون، وچلر و برسیک^۲، ۲۰۱۰). علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد که خوش بینی زوج‌ها میانجی بین سبک دل‌بستگی ایمن و رضایت زناشویی است. افرادی که سبک دل‌بستگی آن‌ها ایمن است، از خوش بینی زوجی بالاتری نسبت به افرادی که سبک دل‌بستگی آن‌ها ناایمن است، برخوردارند؛ بدین معنی که آن‌ها علاوه بر اینکه تصور مثبتی از خود دارند، تصویر مثبتی از دیگران نیز دارند (کلولاو^۳، ۲۰۰۰، ترجمه خانجانی و رونقی، ۱۳۸۷) با توجه به گفته مذکور می‌توان اظهار کرد افراد ایمن که از خوش بینی زوجی بالاتری برخوردارند و از آنجایی که آن‌ها تصور مثبتی از دیگران از جمله همسر خود دارند، از رضایت زناشویی بالایی نیز بهره‌مند هستند. همچنین شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد افراد خوش بین به طور کلی نسبت به افراد بدبین روابط بهتری دارند (کارور و همکاران، ۲۰۱۰). در حال حاضر، محققان، خوش بینی را به عنوان یک منبع مفید در روابط بین فردی قلمداد می‌کنند (اسد و همکاران، ۲۰۰۷). از آنجایی که روابط بین فردی مؤثر یک عامل مهم در روابط زناشویی و در پی آن رضایت زناشویی در بین زوج‌ها نیز محسوب می‌شود، بنابراین افراد دارای سبک دل‌بستگی ایمن و خوش بین از سطح رضایت زناشویی بالایی برخوردارند. در نهایت، نتیجه این پژوهش نشان داد که متغیر خوش بینی زوج‌ها، متغیر میانجی بین موقعیت من و رضایت زناشویی است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، افراد خوش بین نسبت به افراد بدبین روابط زناشویی رضایت بخش‌تری را تجربه می‌کنند (سریوستاو و همکاران، ۲۰۰۶). همچنین افرادی که از سطح تمایز یافتگی و موقعیت من بالایی برخوردارند، از آنجایی که می‌توانند ادراک مشخص شده خوبی از خود به عنوان یک شخص داشته باشند، از بودن در یک رابطه

1. Abramson, L. Y., Seligman, M. E. P., & Teasdale, J. D.

2. Sahin, Z. S., Nalbhone, D. P., Wetchler, J. L., & Bercik, J. M.

3. Clulow, K.

صمیمی احساس راحتی می‌کنند (بوئن، ۱۹۹۸، به نقل از به نقل از ساهین و همکاران، ۲۰۱۰). با توجه به این موضوع که روابط رضایت بخش و صمیمی یک عامل بسیار مهم و تأثیرگذار در رابطه بین زوجها محسوب می‌شود، بنابراین افرادی که از موقعیت من و خوش بینی زوجی بالاتری برخوردارند، در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری نیز دارند. تحقیقات نشان داده است زوج‌هایی که از سطح تمایزیافتگی پایینی برخوردارند، پریشانی زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند (اسکورن، ۲۰۰۰).

محدودیت عمده مطالعه حاضر این است که نمونه آماری این پژوهش زوج‌ها (زن و شوهر) نبودند، بلکه هر زن و مردی جداگانه مورد بررسی قرار گرفتند. علاوه بر این، پژوهش حاضر به تفاوت‌های جنسیتی بین شرکت‌کننده‌ها توجه ننموده است. در اینجا توصیه می‌شود خوش بینی زوجی، که سازه جدیدی در ادبیات روانشناسی و مشاوره خانواده در ایران است، با متغیرهای دیگر از جمله خانواده اصلی، کیفیت زناشویی، خیانت زناشویی و تمایل به طلاق و غیره مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی، به تفاوت‌های جنسیتی و نمونه‌های زوجی (زن و شوهر) در رابطه با متغیرهای این پژوهش توجه شود.

منابع

- اخلاقی، ا. (۱۳۹۰). عوامل خوشبختی در خانواده از نظر قرآن و روایات. *ماهنامه پیام زن*، ۲۳۰، ۹-۴.
- اسکیان، پ؛ ثنایی ذاکر، ب و نوابی نژاد، ش. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر سایکودرام (روان نمایشگری) بر افزایش تمایزیافتگی فرد از خانواده اصلی در دانش آموزان دختر دبیرستانی منطقه ۵ تهران. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۱۹، ۵، ۲۲-۹.
- تیموری آسفچی، علی؛ غلامعلی لواسانی، مسعود و بخشایش، علیرضا. (۱۳۹۱). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و خود تمایزسازی با رضایت زناشویی در بین دانشجویان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۸، ۳۲، ۴۶۳-۴۴۱.
- جانسون، س. ام. (۲۰۰۴). *زوج درمانی هیجان محور*. ترجمه: بی تا حسینی (۱۳۸۹). تهران: انتشارات جنگل.
- جانسون، س. ام و ویفن، و. ای. (۲۰۰۳). *فرایندهای دلبستگی در زوج درمانی و خانواده درمانی*. ترجمه: فاطمه بهرامی، عذری اعتمادی، سعیده بطلانی، روزاک عشقی؛ مهناز جوکار؛ محمد مسعود دیاریان؛ ... و پرپسا

- نیلفروشان صالحی (۱۳۸۸). تهران: نشر دانه.
- حسینی بیرجندی، سیدمهدی (۱۳۷۷). *مشاوره و ازدواج در خانواده*. چاپ اول، تهران، انتشارات آوای نور.
 - رجبی، غ. (۱۳۸۸). ساختار عاملی مقیاس رضایت زناشویی در کارکنان متأهل دانشگاه شهید چمران. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۵، ۴، ۳۵۸-۳۵۱.
 - رجبی، غ. بررسی پایایی و روایی مقیاس خوش بینی زوج ها. چاپ نشده.
 - رجبی، غ و بهلول، ن. (۱۳۸۶). سنجش پایایی و روایی مقیاس عزت نفس روزنبرگ دانشجویان سال اول دانشگاه شهید چمران اهواز. *پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی*، ۲، ۲ (۸)، ۴۸-۳۳.
 - رضازاده، م. (۱۳۸۱). رابطه سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های ارتباطی با همسازی زناشویی در دانشجویان رساله دکتری روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
 - عیدی، ر و خانجانی، ز. (۱۳۸۵). بررسی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی. *فصلنامه علمی-پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز*، سال اول، ۲ و ۳، ۲۰۱-۱۷۵.
 - کلولاو، ک. (۲۰۰۰). *دلبستگی بزرگسال و زوج درمانی*. ترجمه: زینب خانجانی و سیمین رونقی (۱۳۸۷). تبریز، انتشارات فروزش.
 - کوری، ج. (۲۰۰۵). *نظریه و کاربریت مشاوره و روان درمانی*. ترجمه: یحیی سید محمدی (۱۳۸۹). تهران: نشر ارسباران.
 - گلدنبرگ، ا و گلدنبرگ، ه. (۲۰۰۳). *خانواده درمانی*. ترجمه حمیدرضا حسین شاهی برواتی؛ سیامک نقش بندی؛ الهام ارجمند (۱۳۸۸)، تهران، انتشارات روان.
 - مان، پریم اس. (۲۰۰۴). *مقدمه ای بر آمار (۱۳۹۲)*. ترجمه: غلامرضا رجبی. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان، چاپ اول.
 - معدنی پور، ک؛ رنجبر، ف؛ کاکوند، ع و ثنائی ذاکر، ب. (۱۳۹۰). رابطه سبک دلبستگی با خوشبینی و احساس تنهایی در دانش آموزان ۹-۱۲ سال شهر کرج. *روانشناسی سلامت*، ۱، ۱، ۹۳-۱۱۰.
 - ملکوتی خواه، ا. (۱۳۹۰). معناشناسی «میثاق غلیظ» در پیمان همسری و بررسی مؤلفه‌های بنیادین وفاداری به آن. *مطالعات اسلامی: فقه و اصول*، ۴۲، ۱۸۴-۱۵۳.
 - مردانی حموله، م و حیدری، ه. (۱۳۸۹). ارتباط خوشبینی و سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی در کارکنان بیمارستان. *مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، ۸، ۱، ۵۲-۴۶.
 - هاروی، م. (۲۰۰۷). *زوج درمانی*. ترجمه: خدابخش احمدی، زهرا اخوی و علی اکبر رحیمی (۱۳۸۸). تهران: انتشارات دانه.
 - Assad, K. K., Donnellan, M. B., & Conger, R. D. (2007). Optimism: An enduring resource for romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 93, 285-297.
 - Bowlby, J. (1988). *A secure base: Clinical applications of attachment theory*. London: Routledge.

- Banse, R. (2004). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21, 273-282.
- Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator - mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategically and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1173-1182.
- Beach, S. R. H., & O'Leary, K. D. (2007). Dysphoria and marital discord: Are dysphoric individuals at risk for marital maladjustment? *Journal of Marital & Family Therapy*, 19, 355-368.
- Boo, J. N. (2010). *The relationship of adult attachment and depression as mediated by social support, self-esteem, and optimism*. A dissertation submitted to the graduated school in partial fulfillment of the requirements for the degree doctor of philosophy. Ball State University.
- Bradbury, T. N., & Karney, B. R. (2004). Understanding and altering the longitudinal course of marriage. *Journal of Marriage and Family*, 66, 862-879.
- Carver, C. S., Scheier, M. F., & Segerstrom, S. C. (2010). Optimism. *Clinical Psychology Review*, 30, 879-889.
- Cobb, R. J., Davila, J., & Bradbury, T. N. (2001). Attachment security and marital satisfaction: The role of positive perception and social support. *Personality and Social Psychology*, 27, 1131- 1143.
- Gordon, C. L., & Baucom, D. H. (2009). Examining the individual within marriage: Personal strengths and relationship satisfaction. *Personal Relationships*, 16, 421-435.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (1999). What predicts change in marital interaction over time? A study of alternative models. *Family Process*, 38, 143-158.
- Hainonen, K., Raikonen, K., Jarvinen, L. K., & Strandberg, T. (2004). Adult attachment dimensions and recollections of childhood family context: Associations with dispositional optimism and pessimism. *European Journal of Personality*, 18, 193-207.
- Johnson, V. I. (2009). *The Effects of Intimate Relationship Education on Relationship Optimism and Attitudes toward Marriage*. Presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctorate of education in counselor education and supervision The University of Montana Missoula, MT.
- Kardatzke, K. N. (2009). *Perceived Stress, Adult Attachment, Dyadic Coping and Marital Satisfaction of Counseling Graduate Students*. A dissertation submitted to the faculty of the graduate school at The University of North Carolina at Greensboro in partial fulfillment of the requirements for the degree Doctor of Philosophy.
- Kevin, C. M. L. (2011). *Optimism in romantic relationship: Predicting relationship satisfaction from optimism in Hong Kong young adult couples*. Retrieved from city university of Hong Kong, city institutional repository. A report submitted to department of applied social studies in partial fulfillment of the requirements for the Bachelor of Social Science in psychology.
- Lippitt, D. N. (2005). *An examination of the relationship between differentiation, adult attachment style, and marital satisfaction: A multidimensional approach*. A

- dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree doctor of philosophy. Capella University.
- Machaty, A. (2013). *Dispositional optimism and marital adjustment*. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science in the college of agriculture at the University of Kentucky.
 - Maser, M. J. (2011). *A Construct Validity of Differentiation of Self Measures & their Correlates*. Dissertations and Theses. Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree Ph.D. in marriage and family counseling college of education and Human services Seton Hall University.
 - Paley, B., Cox, M. J., Kano, K. W., Harter, K. S., Burchinal, M., & Margand, N. A. (2005). Adult attachment and marital interaction as predictors of whole family interactions during the transition to parenthood. *Journal of Family Psychology*, 9(3), 420-429.
 - Peilage, S., Lutoijing, F., France, A., & Willen, M. (2005). Adult attachment, intimacy and psychological distressing in clinical and community sample. *Journal of Clinical and Psychotherapy*, 12, 455-466.
 - Pelag, O. (2008). The relationship between differentiation of self and marital satisfaction: what can be learn from married couple over the course of life? *The American Journal of Family Therapy*, 36, 388-401.
 - Peleg, O. (2005). The relation between differentiation and social anxiety: What can be learned from students and their parents? *The American Journal of Family Therapy*, 33:2, 167-183.
 - Reker, G. T. (1997). Personal meaning, optimism, and choice: Existential predictors of depression in community and institutional elderly. *The Gerontologist*, 37, 709-716.
 - Rios, C. M. (2010). *The relationship between premarital advice, expectations and marital satisfaction*. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science in marriage and family therapy, Utah State University.
 - Sahin, Z. S, Nalbone, D. P, Wetchler, J. L, & Bercik, J. M. (2010). The relationship of differentiation, family coping skills, and family functioning with optimism in college-Age Students, *Contemporary Family Therapy*, 32, 238-256.
 - Simpson, J. A. (1990). Influence of attachment style on romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59(5), 971-980.
 - Skowron, E. A., & Friedlander, M .L. (1998). The differentiation of self-Inventory: Development and initial validation. *Journal of counseling Psychology*, 45(3), 235-246.
 - Skowron, E. A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47, 229-237.
 - Skowron, E. A., & Dendy., A. K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relation correlates of effortful control. *Contemporary family therapy. An International Journal*, 26, 337-357.
 - Srivastava, S., & Angelo, K. M. (2009). *Optimism, effects on relationships*. In H. T. Reis & S. K. Sprecher (Eds.). *Encyclopedia of human relationships*. Thousand Oaks, CA: Sage.

- Srivastava, S., McGonigal, K. M., Richards, J. M., Butler, E. A., & Gross, J. J. (2006). Optimism in close relationships: How seeing things in a positive light makes them so. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91, 143-153.
- Underwood H. (2005). *Who goes there? Demographics, personality and attachment style of those involved in internet affairs*. Dissertation of Professional Doctorate of Counselling Psychology. Australia: Swinburn University.
- Watson, D., Hubbard, B., & Wiese, D. (2000). General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: Evidence from self- and partner-ratings. *Journal of Personality*, 63, 413-449.